

ورنر گیت

تخیل یا واقعیت

قیام عیسی مسیح



تخیل یا واقعیت

قیام عیسی مسیح

بزرگترین رویداد در تاریخ جهان تا به امروز چیست؟

آیا اختراع کامپیوتری توسط کنراد زوزه (۱۹۹۵-۱۹۱۰) و یا کشف آمریکا در سال ۱۴۹۲ توسط کریستف کلمب (۱۵۰۶-۱۴۵۱) یا اولین فرود یک انسان در ماه در تاریخ ۲۱ ژوئیه ۱۹۶۹ توسط نیل آرمسترانگ (۲۰۱۲-۱۹۳۰) بوده است؟ او به عنوان اولین انسان پای خود را بر روی سطح ماه گذاشت و اعلان کرد: "یک گام کوچک برای انسان، اما یک قدم بزرگ برای بشریت".

همه این حوادث بسیار قابل توجه بوده‌اند، اما آنها در مورد رویدادی که به ویژه امروز می‌خواهیم به آن بپردازیم، سوال نکردند و به آن حتی نیز نزدیک نشدند، که آن قیام عیسی مسیح از مردگان است! این واقعه یک ارتباط با همه ساکنین زمین دارد. در رد به بیانیه نیل آرمسترانگ می‌توانیم این طور فرمول بندی کنیم: که رستاخیز عیسی بزرگترین گامی بوده که زمانی برای بشریت صورت گرفته است. اما این همان چیزی است که بیشترین شک و تردید را به دنبال دارد.



اعتراضات انتقادی به رستاخیز

در طول تاریخ، مردم بارها و بارها علیه باور به زنده شدن مردگان سخن گفته اند. اینجا می خواهم پنج رأی انتقادی را ذکر کنم.

۱. **صدوقیان**: یک دسته از افراد معتقد نزد عیسی آمدند، که در مخالفت خودشان در برابر زنده شدن مردگان بایستند. آنها او را با یک سوال پیچیده به چالش کشیدند (متی ۲۲، ۲۳-۲۴): هنگامی که هفت برادر که هر کدام پس از مرگ برادرش با زن او، ازدواج کنند و در آخر آن زن نیز فوت کند، در روز قیامت همسر کدامیک از آنها خواهد بود؟ عیسی اعتراض آنها را با یک سخن بی اعتبار کرد، که در آن سوی خط مرگ، ازدواج دیگر وجود نخواهد داشت و آن را برای فریسیان به معما تبدیل کرد. که در خروج ۳ آیه ۶ ذکر شده است: «من هستم خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب؟»، اما از آنجایی که ابراهیم، اسحاق و یعقوب در گذشتند، در نتیجه باید دوباره از مرگ زنده شوند. زیرا «خدا، خدای مردگان نیست، بلکه خدای زندگان می باشد»، (متی ۲۲ آیه ۳۲).

۲. **مارتین هایدگر**: فیلسوف مشهور آلمانی (۱۸۸۹-۱۹۷۶) مارتین هایدگر درباره رستاخیز بنا به ایمان، استدلال نکرد، ولی در عین حال او با یک استنباط مهم روبرو شد: «آیا عیسی ناصری از مردگان برخاسته است. اگر چنین باشد پس تمام شناخت علوم طبیعی موقتی است»، او بارها و بارها نتیجه گرفت: اگر واقعا این درست باشد که عیسی ناصری از مردگان برخاسته است، پس ما با افکار علمی خود، یک توجیه بی حد و مرز را تحمیل کرده ایم.

۳. **رودلف آگستاین**: مدت کوتاهی قبل از مرگ رودلف اوگستاین (۱۹۲۳-۲۰۰۳)، ناشر بزرگترین مجله خبری آلمانی "اشپیگل" پرسیدند: «آیا به خدا ایمان دارید؟» او پاسخ داد: «خیر... من به زنده شدن هر مرده ای اعتقاد ندارم، پس اصلا هم مجبور نیستم خودم را با آن مشغول کنم. وقتی من رفته ام، پس رفته ام».

۴. **یک کشیش در موعظه اضطراری**: درست قبل از عید پاک بود که من با یک کشیش صحبت کردم. او برای من توضیح داد، وقتی عید پاک فرا می رسد، به یک "موعظه اضطراری" وادار می شود. او به عنوان یک کشیش، به قیام عیسی ایمان نیاورده بود.

۵. **"مجله دی سایت"**: روزنامه هفتگی "دی سایت" چند وقت پیش در نسخه عید پاک خود (نشر ۱۶ در ۸ آوریل ۲۰۰۹) با سربرگ:



"داستان باور نکردنی در جهان" چنین نوشت - هیچ چیز باور نکردنی تر از قیام عیسی نمی باشد.

شاهدان عینی قیام

خدا می تواند از طریق یک پیامبر به ما اعلام کند : " رستاخیز عیسی اتفاق افتاده است و من او را از مرگ بازگردانده ام ". ولی این امر موجب تردید بیشتری در صحنه می شد ، همانطور که در حال حاضر نیز می باشد. اما خدا این کار را نکرد . عیسی قیام خود را از طریق کلمات اعلام نمی کند ، بلکه او خود را اثبات می کند، او مستقیماً خودش را بارها و بارها در مکانهای مختلف و فرصتهای متفاوت نشان می دهد .

در عهد جدید ، ۱۵ مرتبه از شاهدان عینی برای ما ذکر شده است ، که آنها عیسی را به عنوان قیام کرده و زنده تجربه کرده اند :

۱. **مریم مجدلیه** (یوحنا ۲۰ ، ۱۸-۱۱)

۲. **دو زن بر سر قبر** (متی ۲۸ ، ۹)

۳. **دوتن از شاگردان** در راه دهکده «عمواس» (لوقا ۲۴ ، ۱۳-۳۵)

۴. **پطرس** (لوقا ۲۴ ، ۳۴ ؛ اول قرنتیان ۱۵ ، ۵)

۵. **ده شاگرد** ، بدون توما در یکشنبه عید پاک (یوحنا ۲۰ ، ۱۹)

۶. **یازده شاگرد** ، از جمله توما (یوحنا ۲۰ ، ۲۶)

۷. هفت شاگرد، در کنار دریاچه جلیل (یوحنا ۲۱ ، ۱-۲۲)

۸. یازده شاگرد ، برکوهی در جلیل (متی ۲۸ ، ۱۶-۲۰)

۹. دوازده شاگرد ، اول از پطرس (اول قرنیتیان ۱۵ ، ۵)

۱۰. پانصد برادر (اول قرنیتیان ۱۵ ، ۶)

۱۱. یعقوب ، برادر خداوند (اول قرنیتیان ۱۵ ، ۷)

۱۲. همه رسولان (اول قرنیتیان ۱۵ ، ۷ ؛ مرقس ۱۶ ، ۱۹-۲۰ ؛

لوقا ۲۴ ، ۵۰-۵۳ ؛ اعمال رسولان ۱ ، ۱۲-۳ ، ۲۶)

۱۳. استیفان ، بعد از صعود به آسمان (اعمال رسولان ۷ ، ۵۶-۵۵)

۱۴. پولس رسول ، بعد از صعود به آسمان (قبل از دمشق در لحظه

تبدیل : اعمال رسولان ۹ ، ۵-۳ ؛ در معبد : اعمال رسولان ۲۲ ،

۲۱-۱۷ ؛ در زندان سزاریه : اعمال رسولان ۲۳ ، ۱۱)

۱۵. یوحنا رسول ، بعد از صعود به آسمان (مکاشفه ۱ ، ۲۰-۱۲)

برخی از این شهادتهای شاهدان عینی در اینجا آمده است:

۱. **مریم مجدلیه** (یوحنا ۲۰ ، ۱-۱۸) او صبح زود روز یکشنبه

عید پاک به سمت قبر به راه افتاد . در باغی که مقبره عیسی واقع

شده بود وارد شد ، خیلی هراسان بود و اشک میریخت ، چه کسی

این سنگ سنگین را از قبر کنار زده است ؟ قبر خالی است . ترس

زیادی او را در بر گرفت ، به سمت استراحتگاه دوید ، جایی که

پطرس و یوحنا اقامت داشتند . آنها بلافاصله خود را به قبر رساندند

. یوحنا از نفس افتاده بود و زودتر به آنجا رسید ، و بعد پطرس

. مریم مجدلیه دورتر از پطرس به راه افتاده بود . یوحنا به قبر

نزدیک می شود بدون آنکه داخل شود ، اما دید ، قبر خالی است و

فقط کفنی که دور عیسی پیچیده بودند آنجا بود . وقتی مریم مجدلیه

به قبر رسید ، پطرس و یوحنا رفته بودند . او وارد قبر شد و با

وحشت متوجه شد که قبر خالی است . ناگهان دو فرشته نورانی با

لباسهای سفید را دید ، جایی که جسد عیسی گذاشته شده بود ؛ یکی

نزدیک سر و دیگری نزدیک پاها . او متوجه نمی شود که آنها

فرشتگان هستند . آنها از مریم مجدلیه می پرسند : "چرا گریه می

کنی؟" او در حال گریه می گوید : "شما خداوند مرا برده اید و نمی

دانم او را کجا گذاشته اید" . (یوحنا ۲۰ ، ۱۳)

مریم سرش را برگرداند و ناگهان دید مردی پشت سرش ایستاده است . مریم گمان کرد او باغبان است که می پرسد : « چرا گریه می کنی ؟ دنبال چه کسی می گردی ؟ » ، (یوحنا ۲۰ ، ۱۵) .
هنوز هم صدای او را نشناخته بود . او می پرسد "تو او را برده ای ؟ بگو او کجا ست" . سپس او را به نام صدا زد : " مریم ! " و وارد قلبش شد . هر گز کسی نام او را اینطور تلفظ نکرده بود و تا به حال شخصی او را با این ملایمت خطاب نکرده بود . اکنون بر او آشکار شد که چه کسی در مقابلش ایستاده . این عیسی است که از مردگان برخاسته . او نخستین شاهد قیام عیسی بود .

۲. دو تن از شاگردان در راه دهکده عمو آس (لوقا ۲۴ ، ۱۳ - ۳۱) : عیسی دو نفر از پیروانش را در دهکده عمو آس به سمت اورشلیم ملاقات میکند . او بر اساس انجیل در مورد مفهوم رنج خود برای آنها توضیح داده و با آنها غذا خورد . آنها او را موقع تکه کردن نان شناختند .

۳. یازده شاگرد (یوحنا ۲۰ ، ۲۸-۲۶) : هشت روز بعد از عید پاک ، عیسی بر ۱۱ تن از شاگردانش بار دیگر ظاهر شد . این بار توما هم همراه آنان بود . عیسی گذاشت توما او را برای غلبه کردن با بی ایمانی اش لمس کند : " انگشتت را در زخم دست هایم بگذار . دست به پهلویم بزن و بیش از این بی ایمان نباش . ایمان داشته باش . " توما گفت : ای خدا و ای خداوند من " (یوحنا ۲۰ ، ۲۷-۲۸) . توما عیسی را به عنوان خداوند خود شناخت .



۴. **هفت شاگرد** (یوحنا ۲۱ ، ۱-۲۲) : عیسی خود را به ۷ شاگردش در کنار دریاچه جلیل نشان داد ، زمانی که آنها از ماهیگیری ناموفق خود باز می گشتند (شمعون پطرس ، توما ، نتنائیل ، پسران زبدی و دو نفر از دیگر شاگردان). بنا به کلام او ، آنها ۱۵۳ ماهی می گیرند و عیسی با آنها غذا می خورد .

۵. **یازده شاگرد بر کوه جلیل** (متی ۲۸ ، ۱۶-۲۰) : عیسی بر یازده تن از شاگردانش در جلیل ظاهر می شود و به آنها با تاکید ماموریتی جهانی می دهد ، که حضور من را تا انتهای دنیا به همه ابلاغ کنید : " پس بروید و تمام قومها را شاگرد من سازید و ایشان را به اسم پدر ، پسر و روح القدس غسل تعمید دهید و به ایشان تعلیم دهید که تمام دستوراتی را که به شما داده ام ، اطاعت کنند . مطمئن باشید، من همیشه تا انقضای عالم همراه شما هستم ! "

۶. **بیشتر از پانصد نفر از برادران** : در اول قرننیاں ۱۵ آیه ۶ بزرگترین مجتمع شاهدان که همزمان برای ما شهادت داده اند . " سپس او خود را به بیش از پانصد نفر از برادران ما ظاهر کرد ، که بسیاری از ایشان هنوز زنده اند و بعضی نیز فوت شده اند . "

۷. **حتی بعد از صعود به آسمان** مسیح قیام کرده، خودش را چندین بار نشان داد . زمانی که استیفان به خاطر ایمانش به عیسی ، سنگسار می شود ، به آسمان نگاه کرد و عیسی را دید : استیفان به آسمان خیره شد و جلال خدا را دید و عیسی را دید ، که در دست راست خدا ایستاده بود : نگاه کنید ، من آسمان را می بینم که باز شده است و پسر انسان در دست راست خدا ایستاده است! " (اعمال رسولان ۷ ، ۵۵-۵۶)

مورخان برجسته ، قیام مسیح را به عنوان قدیمی ترین تاریخ عهد باستان خوانده اند ! به عنوان مثال دانشمند مشهور ، پروفیسور توماس فرانس (۱۷۹۵-۱۸۴۲) اینطور نوشته است. نویسنده کتاب چند جلدی "تاریخ رم" و استاد تاریخ مدرن در آکسفورد : من هیچ واقعیتهایی در تاریخ بشریت نمی شناسم که در یک تحقیق عادلانه توسط بهترین و کاملترین شواهد از همه زوایا اثبات شده باشد ، به عنوان بزرگترین نشانی که خدا به ما داده است ، یعنی اینکه مسیح مُرد و دوباره از مردگان برخاست . " حتی وُلَف بیرمن شکاک و ترانه سرا ، قیام را به عنوان گرانترین ارز در بازار امید توصیف کرد .



قیام مسیح چه اهمیتی برای ما دارد ؟

۱. کلام خدا حقیقت را بیان می کند : با رستاخیز عیسی، تمام بشارت انبیا در عهد عتیق، که به قیام او اشاره دارد، ناگهان انجام شد . اشعیاى نبی (باب ۵۳ ، ۹-۸ و ۱۱) به مرگ ، قبر و قیام عیسی اشاره دارد: " به ناحق او را به مرگ محکوم کردند و کشتند ، و مردم نفهمیدند که او برای گناهان آنها بود، که کشته شد . بلی، او بجای مردم مجازات شد. هنگامی که خواستند او را همراه خطاکاران دفن کنند، او را در قبر مردی ثروتمند گذاشتند؛ اما هیچ خطایی از او سر نزده بود و هیچ حرف نادرستی از دهانش بیرون نیامده بود. ... هنگامی که ببیند عذابی که کشیده چه ثمری به بار آورده، راضی و خشنود خواهند شد،. در غیر این صورت می توان نشان داد ، کتاب مقدس تنها کتاب در تاریخ جهان است که مهربانی حقیقت را دارا می باشد .

۲. از طریق قیام عیسی ، خداوند در جُلجتا قربانی پسر خود را تصدیق کرد : هیچ چیز دیگری - نه اعمالمان و نه هیچ مذهبی ، قادر به پرداخت گناهان ما نیست . بلکه فقط خون ریخته شده عیسی مسیح بر روی صلیب جلجتا ست که تنها پاک کننده ی موثر است (نامه اول پطرس ۱ ، ۱۹) .

۳. قیام عیسی به عنوان یک اصل : قیام عیسی پایه رستاخیز ما ست وتضمینی برای آن ، که ما به واسطه او حیات جاودان را به دست آوریم ، و او اینطور وعده داده است : " من هستم که مردگان را زنده می کند و زندگی می بخشد ، هر که به من ایمان داشته



باشد ، اگر حتی بمیرد ، بار دیگر زنده خواهد شد . و چون به من ایمان دارد ، زندگی جاودان یافته ، هرگز هلاک نخواهد گردید" (یوحنا ۱۱، ۲۶-۲۵) .

۴. رستاخیز اساس نجات ایمان ما ست : بدون حقیقت رستاخیز هر بشارتی بیهوده خواهد بود : „اگر مسیح زنده نشده است ، بنابراین موعظه ما بیهوده است ، پس ایمانمان هم بیهوده است.“ (اول قرن‌تین ۱۵ ، ۱۷) . بعد از یک بحث طولانی با یک مسلمان ، سوال هدفمندی از من کرد: ” اگر بتواند شخصی به شما ثابت کند که عیسی اصلاً زنده نشده است ، آیا ایمانتان از بین می رود ؟ ” پس به طور واضح و شفاف به او پاسخ دادم: بلی! اگر عیسی زنده نشده است ، پس میلیون‌ها انسان گمراه شده اند و همه پرستش‌ات و دعاها بیهوده بوده است و تمام تعهدات در ملکوت خداوند بی معنی می ماند و همه افرادی که جان خود را به خاطر ایمان به عیسی مسیح فدا کردند ، بیهوده می بود . پس ما هنوز هم در گناه بودیم و یک گمشده . بنابراین بی خدایان و نظریه پردازان تکاملی حق را به خودشان میدادند . **اما عیسی قیام کرده است !** و بخاطر همین است که هر موعظه ای ارزش دارد و هر خدمتی در نام مسیح ارزشمند است . ایمان به عیسی مسیح قطعاً نجات می بخشد .

۵. مرگ شکست خورده است : هر که به عیسی ایمان دارد ، در نهایت مشکل مرگ را حل کرده است . پولس پیروزی عیسی بر مرگ را در اول قرن‌تین ۱۵ ، ۵۵-۵۴ + ۵۷ اینطور توصیف می‌کند: ” زندگی بر مرگ پیروز شد . ای مرگ پیروزی تو

کجاست ؟ نیش تو چه شد ؟ ... خدا را شکر برای تمام اینها ! اوست که ما را بوسیله خداوندان عیسی مسیح پیروز میگرداند .

۶. با اتفاق رستاخیز خداوند یک حقیقت را برای ما آشکار ساخته ، که از تجربه ی دنیوی ما از فضا و زمان فراتر می‌رود : دنیای سه بعدی ما کل واقعیت نیست . عیسی حقیقت ابدیت را به ما شهادت داد .

خواننده عزیز برای شما قیام عیسی مسیح چه اهمیت و مفهومی دارد ؟

هر شخصی که در دعا ، به مسیح روی می آورد و بار گنهانش را به او بدهد و زندگیش را به او میسپارد ، از همه بدی ها آزاد شده و حیات جاودان را از او به رایگان دریافت می‌کند . او وعده داده است که کسی که به نزدش بیاید را رد نمی کند : ” هر که نزد من آید ، من هرگز ایشان را از دست نمی دهم ” (یوحنا ۶ ، ۳۷) . ورود به ملکوت آسمان هیچ راه دیگری ندارد ، جز به واسطه عیسی (اعمال رسولان ۴ ، ۱۲) . حیات جاوید را محکم نگاهدار که برای آن خواننده شده ای (اول تیموتائوس ۶ ، ۱۲) .

پروفسور دکتر ورنر گیت

